

An Investigation of the Pace of the Story Time in the Narrative of “Cloudy Years” Novel by Ali-Ashraf Darvishian

Morteza Heidari * 

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Nour University, Tehran, Iran

Abstract


“Cloudy Years” novel by Ali-Ashraf Darvishian written in 4 volumes and 1622 pages and its events contain about 33 years of hero-narrator’s life. In the article, the speed of passing the story events through the author’s narrative is measured on the basis of Gerard Genette’s opinions. Genette utilizes order, duration, and frequency categories to measure the tempo of a novel. The study and survey of the existent specimens in all the novel demonstrate that the order of the events of the novel is more lineal, even though analepses and prolepses would be seen in the narrative, and evaluating the duration of the story and narrative makes clear that the average of 7/42 days of story exhibited in every page of the novel. The comparison between the average duration of every volume of the novel with the average duration of the novel proves negative, positive, positive and negative fluctuations in every volume of the novel, in turn. The acquired statistics of how being repeated the events of story approve also the more number of singulative frequencies which has a significant relationship with more lineal passing the narrative. The findings and conclusion of this research present new points in its theoretical framework.

Keywords: Narratology, Gerard Genette, Story Time, Ali-Ashraf Darvishian, Cloudy Years.

* Corresponding Author: mortezaheydari.58@gmail.com

How to Cite: Heidari, M. (2022). An Investigation of the Pace of the Story Time in the Narrative of “Cloudy Years” Novel by Ali-Ashraf Darvishian. *Literary Text Research*, 26(92), 111-142. doi: 10.22054/LTR.2020.48335.2875

بررسی ضرباهنگ زمان داستان در روایت «سال‌های ابری» از علی اشرف درویشیان

مرتضی حیدری *  دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

رمان سال‌های ابری از علی اشرف درویشیان در چهار جلد و ۱۶۲۲ صفحه نوشته شده و رویدادهای آن به-تقریب ۳۳ سال از زندگی راوی-قهرمان رمان را دربر می‌گیرد. در این مقاله سرعت گذار رویدادهای داستان در روایت نویسنده این رمان بر پایه آرای ژرار ژنت سنجیده می‌شود. ژنت مقوله‌های نظم و ترتیب، تداوم و بسامد را برای سنجش شتاب یک روایت به کار می‌گیرد. مطالعه و بررسی نمونه‌های موجود در کل رمان نشان می‌دهد که چینش رویدادهای داستان در روایت، بیشتر خطی است؛ گرچه گذشته‌نگری‌ها و آینده-نگری‌هایی نیز در روایت دیده می‌شود. همچنین ارزیابی تداوم داستان و روایت، گویای آن است که میانگین ۷/۴۲ روز از داستان در هر صفحه از رمان به‌نمایش درآمده است. مقایسه تداوم میانگین هر یک از جلد‌های چهارگانه رمان با تداوم میانگین کل رمان نوسان منفی، مثبت، مثبت و منفی را به ترتیب در شتاب روایی هر جلد اثبات می‌کند. آمارهای به‌دست آمده از چگونگی تکرار شدن رویدادهای داستانی نیز شمارگان بیشتر بسامدهای مفرد را تأیید می‌کند که نسبت معناداری با گذار بیشتر خطی روایت دارد. یافته‌ها و نتیجه‌گیری این پژوهش، ن. ک:ته‌های تازه‌ای را در چهارچوب نظری آن به‌دست می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: روایت‌شناسی، ژرار ژنت، زمان داستان، علی اشرف درویشیان، سال‌های ابری.

مقدمه

روایت‌شناسی، دانشی است با رویکردهای ناهمگون که چگونگی سامان یافتن یک رسانه روایی را بررسی می‌کند. جداسازی سازه‌هایی که پیکره منتظمی را پی می‌نهند و دست یافتن به شیوه‌هایی که روی هم رفته، نقشه ترکیب آن سازه‌ها را باز می‌نمایانند، بنیادهای شناخت و نگاه روایت‌شناسانه به شمار می‌روند. موضوع مطالعه روایت‌شناسی می‌تواند بسیار گوناگون و نامتجانس باشد؛ از همین رو، دانشی پویا و کارآمد برای مطالعه پدیدارهای کهن و نوپیدای جوامع انسانی است و در گذار چندین دهه از پیدایی آن، کارآمدی روزافزونی یافته است. از میان نظریه‌های شناخته شده در دانش روایت‌شناسی، رویکرد «ژرار ژنت»^۱، منتقد فرانسوی، پیچیده‌تر و فراگیرتر از رویکردهای دیگر نظریه پردازان بوده است؛ تا جایی که ام‌روزه ارجاع به دانش روایت‌شناسی بدون ارجاع جزئی یا کلی به دستگاه نظری او به دشواری ممکن است.

بررسی نمونه‌های برجسته ادبیات داستانی در زبان فارسی از دیدگاه روایت‌شناسی، نتایج نظری و کاربردی سودمندی دارد و ریشه‌های ارزیابی انتقادی متون داستانی را استوارتر می‌کند. شالوده دستگاه روایت‌شناسی ژرار ژنت بر مطالعه چگونگی گذار زمان داستان از بستر روایت بنیان نهاده شده است. رمان سال‌های ابری، اثر علی‌اشرف درویشیان از رمان‌های شناخته شده زبان فارسی است که ویژگی‌هایی فراخور سنجش انتقادی از دیدگاه روایت‌شناسی بر پایه آرای ژنت دارد. از این رو، بررسی فراز و فرودهای زمان داستان در روایت نویسنده رمان سال‌های ابری، موضوع این پژوهش قرار گرفته است.

۱. پیشینه پژوهش

نظریه روایت‌شناسی ژرار ژنت بیش از دو دهه است که از سوی پژوهشگران ایرانی برای مطالعه آثاری به زبان فارسی به کار گرفته شده است و از میان آن‌ها می‌توان مقاله‌های «نقد روایت‌شناسانه مجموعه «ساعت پنج برای مردن دیر است» بر اساس نظریه ژرار ژنت» (۱۳۸۸) از قدرت‌الله طاهری و لیل‌اسادات پیغمبرزاده، «بررسی روایت‌شناسی طبقات الصوفیه بر اساس نظریه «زمان در روایت» ژرار ژنت» (۱۳۹۶) از جواد صدیقی لبقوان و مهیار علوی مقدم و «تحلیل زمان روایی در دو فیلم «درباره‌الی» و «گذشته» از دیدگاه ژرار ژنت» (۱۳۹۶) از

1. Genette, G.

محمد شهبها و ماهرخ علی پناهللو را برشمرد. این مقاله‌ها و مقاله‌هایی از این دست -در بیشتر مواقع- بر پایه گزارش‌های مفسران آرای ژنت به انجام رسیده‌اند. در این پژوهش برای نخستین بار فراز و فرود زمان داستان در روایت رمان سال‌های ابری، به استقلال بررسی می‌شود تا ضرباهنگ روایی این رمان واقع‌گرا به شیوه‌ای اثباتی به جامعه ادبی فارسی‌زبان ارائه شود. همچنین بازخوانی چگونگی تداوم داستان و روایت در دستگاه نظری ژنت بر پایه یافته‌های این پژوهش در کانون بررسی قرار می‌گیرد.

۲. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش تداوم زمان داستان و روایت -چنان که ژرار ژنت در دستگاه نظری خود بدان پرداخته- در رمان سال‌های ابری سنجیده می‌شود؛ از این رو، پژوهشی کاربردی است که به روش تحلیل محتوای آماری و بهره‌گیری از ابزارهای کتابخانه‌ای و الکترونیکی (پایگاه‌های استنادی و علمی) و با نمونه‌گیری کل از رمان مطالعه شده سامان یافته است. آمارهای به‌دست آمده از مطالعه همه رمان در یافته‌ها و نتایج نمود یافته، اما برای پرهیز از زیاده‌گویی، تنها به آوردن نمونه‌هایی شاخص در جایگاه شواهدی برای بنیادهای نظری بسنده می‌شود.

رمان سال‌های ابری گونه‌ای زندگی‌نامه خودنوشت^۱ است که با تاریخ (دوره‌های قاجار و پهلوی) و ادبیات داستانی ایران پیوند خورده است. زندگی‌نامه‌های خودنوشت بر قهرمانی واحد متمرکز هستند که معمولاً با زاویه دید اول شخص، درونی و دانای محدود روایت می‌شوند و ارزش روایی بالایی دارند (ن. ک: مارتین^۲، ۱۳۸۶). رمان سال‌های ابری نیز از چنین چشم‌اندازی روایت شده و از همین رو موضوع مطالعه این پژوهش قرار گرفته است.

۳. نظریه روایت‌شناسی

گفته‌اند، روایت^۳ مجموعه‌ای از رخدادهایی است که دارای نظم خاصی بوده و از دیباچه، میانه و پایان‌بندی مشخصی برخوردار است (ن. ک: بنت و رویل^۴، ۱۳۸۸). رولان بارت^۵

-
1. Autobiography
 2. Martin, W.
 3. Narrative
 4. Bennett, A. & Royle, N.
 5. Roland Barthes

روایت را همزاد نوع بشر دانسته که فراگیر، فراملی، فراتاریخی و فرافرهنگی است و شمولی جهانی دارد. بارت روایت را دارای مواد و رسانه‌های بسیار متنوع می‌داند که در زبان، تصویر، نقاشی، تئاتر، فیلم، ادبیات، اخبار و در جهان واقع و تخیل دیده می‌شود (ن. ک: بارت، ۱۹۷۷).^۱

مفهوم کلاسیک روایت‌مندی^۲ به ارتباطی گفتمانی محدود می‌شود که مرجعی روایت-کننده یا یک میانجی دارد؛ به‌مانند سفرنامه‌های به‌صرف توصیفی. حال آنکه روایت‌مندی در مفهوم ساختارگرایی^۳ می‌تواند برای بازنمایی در هر رسانه‌ای به کار گرفته شود. مفهومی که در نقد ادبی از این دو گزاره انتقادی رایج شد، برآیندی از هر دوی این مفاهیم بود (ن. ک: اشمید^۴، ۱۳۹۴). «عناصر روایی متن روایت را می‌توان و باید فارغ از رسانه ارتباطی که روایت در آن یافت می‌شود مطالعه و بررسی کرد» (پرینس^۵، ۱۳۹۴).

رویکردهای نظریه‌پردازان به روایت و روایت‌شناسی و رسانه‌های دارای باز نمود روایی یکسان نبوده است (ن. ک: هرمن^۶، ۱۳۹۳). برخی از شناخته شده‌ترین پژوهشگران حوزه ساختارگرایی درباره چگونگی سامان‌یافتن روایت هم نظریه‌پردازی کرده‌اند.^۷ اصطلاح روایت‌شناسی ترجمه واژه فرانسوی *narratologie* است که تزوتان تودوروف^۸ در کتاب خود دستور زبان دکامرون^۹ (۱۹۶۹) ابداع کرده و نظریه آن از جهت تاریخی از دو سنت فرمالیسم (صورت‌گرایی) روس و ساختارگرایی فرانسه مایه گرفته است (پرینس، ۱۳۹۴ و نیز ن. ک: اخوت، ۱۳۷۱). هدف روایت‌شناسی «توصیف نظام قواعد ویژه حاکم بر تولید و پردازش روایت است» (پرینس، ۱۳۹۴ و نیز ن. ک: تاینس^{۱۰}، ۱۳۸۷).^{۱۱}

۱. برای آشناسدن با دیگر تعریف‌های انجام شده از روایت و سازه‌های روایت، بنگرید به: تولان (۱۳۸۶)، لنت‌ولت (۱۳۹۰) و پرینس (۱۳۹۴).

2. Narrativity
3. Structuralism
4. Schmidt, W.
5. Prince, G.
6. Herman, D.

۷. چکیده‌ای از این دیدگاه‌ها را در بارت (۱۳۹۴) ببینید.

8. Todorov, T.
9. Grammaire du Décaméron
10. Tyson, L.

۱۱. درباره تاریخچه روایت‌شناسی - به‌ویژه در مفهوم ساختارگرایانه‌اش - بنگرید به: Barthes, 1994.

۴. نظریهٔ روایت‌شناسی ژرار ژنت

نظریهٔ روایت‌شناسی ژنت را باید در چهارچوب مکتب ساختارگرایی‌ای بررسی کرد که میدان متن را خودبسنده و پیراسته از رویکردهای جامعه‌شناختی، معناشناختی و زیبایی-شناختی مطالعه می‌کند. «هر تحلیلی که به خود اثر بسنده کند بی آنکه منابع یا انگیزه‌ها را به بازی گیرد، تلویحاً ساختارگرایانه خواهد بود» (ژنت، ۱۳۸۸)^۱. در ادبیات، تعریف متداول «روایت» عبارت است از «بازنمود رویداد یا رشته‌ای از رویدادهای واقعی یا خیالی به وسیلهٔ زبان به‌ویژه زبان نوشتاری» (ژنت، ۱۳۹۰). ژنت می‌نویسد: «هر گزارش یا داستان به عنوان روایت با سرگذشت یا قصه‌ای که روایت می‌کند، وابسته است و به عنوان سخن با شکل بیان روایی که خود برگزیده است» (نقل در احمدی، ۱۳۷۰ و نیز ن. ک: اشمیتس^۲، ۱۳۸۹). «روایت یک توالی زمانی دوگانه میان زمان چیزی که گفته می‌شود و زمان روایت (زمان مدلول و زمان دال^۳) است. ... این دوگانگی نه تنها همهٔ اغتشاش‌های زمانی ممکن را ارائه می‌کند، بلکه ما را وامی‌دارد تا یک ترتیب زمانی را در ارتباط با ترتیب زمانی دیگری بررسی کنیم» (ژنت، ۱۹۸۰).

ژنت عناصر روایت را در مقاله‌ای طولانی و مهم (گفتمان روایی) که دربارهٔ رمان در جست‌وجوی زمان از دست رفته^۴ مارسل پروست^۵ نوشته، شناسانده است. شمایی از مقوله‌های مطالعه و متمایز شده از سوی ژنت را می‌توان این‌گونه برشمرد: ترتیب ارائهٔ رخدادها (مختل شدن ترتیب وقایع به واسطهٔ بازگشت زمانی و پیشواز زمانی)، دیرش‌بازنمایی (تمایز میان صحنه و خلاصه)، روابط میان زمان روایت‌شده و زمان روایت، شیوهٔ بازنمایی (کنش متقابل مُحاکات و نقل)، روایت (چه کسی سخن می‌گوید؟ راوی چه نسبتی با رخداد روایت شده دارد؟)، کانونی‌سازی (چه کسی می‌بیند؟)، سطوح روایی‌ای که به واسطهٔ آمدن داستانی

۱. امروزه روایت‌پژوهان به بلاغت روایت، بافت اثر روایی و دریافت مخاطب بسیار تأکید ورزیده‌اند و از خودبسنده‌گی رویکرد روایی در گذشته‌اند (ن. ک: هرمن، ۱۳۹۳). همچنین روایت‌شناسی با دیگر حوزه‌های علم و دانش بشری پیوند سازنده‌ای برقرار کرده‌است (همان).

2. Schmitz, Th.
3. signified and signifier
4. In Search of Lost Time
5. Marcel Proust

در دل داستانی دیگر به وجود می‌آیند و مفهوم روایت گیر در جایگاه زوج ارتباطی راوی (ن. ک: مکاریک^۱، ۱۳۸۵ و کالر^۲، ۱۹۸۰)^۳.

زمان، جزو جدایی‌ناپذیر روایت است و شالوده و مبنای هر روایت به تصویر کشیدن رخدادها در قالب زمان است؛ چنان که فورستر^۴ می‌گوید: «داستان، نقل حوادث به ترتیب توالی زمانی است» (فورستر، ۱۳۶۹).

ژرار ژنت در آرای روایت‌شناسانه خود، بیش از هر چیز دیگری به تحلیل رابطه‌های زمانی میان متن روایی و داستانی که بازگو می‌کند، می‌پردازد (ن. ک: پرینس، ۱۳۹۴). وی در «گفتمان روایی: مقاله‌ای در روش»^۵ دربارهٔ نظم در روایت و زمان روایت می‌نویسد: «این دوگانگی نه فقط به تصرفات زمانی که در روایت‌ها رواج دارند، اجازهٔ عرض اندام می‌دهد (سه سال زندگی قهرمان در دو جملهٔ رمان یا در چند نمای فیلم و... خلاصه می‌شود)، بنیاد-ی‌تر اینکه، این دوگانگی به ما گوشزد می‌کند که یکی از کارکردهای روایت، ابداع یک طرح زمانی^۶ با توجه به طرح زمانی دیگر است» (ریمون کنان^۷، ۱۳۸۱). رابطهٔ میان زمان داستان و شبه‌زمان روایت را در سه مقولهٔ بنیادین آرای ژنت؛ یعنی نظم و ترتیب^۸، تداوم^۹ و بسامد^{۱۰} باید مطالعه کرد (ن. ک: ریکور^{۱۱}، ۱۹۸۴).

۴-۱. نظم و ترتیب

ژنت نظم را این‌گونه توضیح می‌دهد: «مطالعهٔ نظم زمانی یک روایت؛ یعنی مطالعهٔ نحوهٔ قرار گرفتن رخدادها یا داستانی یا جایگیری برش‌های زمانی در گفتمان روایی و مواجه کردن آن‌ها با ترتیب وقوع همان رخدادها یا نحوهٔ اجرای همان برش‌های زمانی در داستان» (ژنت، ۱۹۸۰). عمده‌ترین انواع ناهماهنگی میان نظم داستان و نظم متن و به گفتهٔ ژنت

1. Makaryk, I. R.

2 Culler, J.

۳. دربارهٔ زندگی و آثار ژرار ژنت و نقد آرای او، بنگرید به: احمدی (۱۳۷۰)، هارلند (۱۳۸۸) و سلدن (۱۳۷۱).

4. Edward Morgan Forster

5. Narrative Discourse: an Essay in Method

6. Time Scheme

7. Rimmon-Kenan, Sh.

8. order

9. duration

10. frequency

11. Ricoeur

«نابهنگامی‌ها یا زمان‌پریشی‌ها»^۱، «بازگشت به گذشته»^۲ یا «پس‌نگری»^۳ و «رجعت به آینده»^۴ یا «پیش‌نگری»^۵ هستند. ژنت این دو واژه را به ترتیب «گذشته‌نگر»^۶ و «آینده‌نگر»^۷ نام‌گذاری می‌کند. هم‌روایت گذشته‌نگر و هم آینده‌نگر نسبت به روایتی که از آن جوانه زده‌اند و ژنت آن را «اولین روایت» می‌نامد از نظر زمانی لایه دوم روایت را پی می‌نهند. بنابراین، «اولین روایت»، گاهی دایره‌وار، «سطح زمانی روایتی است که بر اساس آن زمان‌پریشی را این‌گونه تعریف کردیم: ناهماهنگی میان نظم داستان و نظم متن» (ریمون. کنان، ۱۳۸۷ و ژنت، ۱۹۸۰ و نیز ن. ک: ریکور، ۱۳۸۳ و لیت و لت، ۱۳۹۰).

۴-۲. گذشته‌نگری

ژنت گذشته‌نگری‌ها را سه‌گونه می‌داند:

الف- گذشته‌نگری‌های برون‌داستانی^۸: به اصطلاح ژنت اگر گذشته‌نگری‌ها، گذشته‌ای را فرا یاد آورند که پیش از نقطه آغاز اولین روایت به‌وقوع پیوسته است، «گذشته‌نگرهای برونی» اند. این‌گونه گذشته‌نگری درباره شخصیت، رخداد و خط داستانی دیگر، اطلاعاتی در اختیار خواننده می‌گذارد (ن. ک: ژنت، ۱۹۸۰).

ب- گذشته‌نگری‌های درون‌داستانی^۹: گذشته‌نگری‌های دیگر ممکن است گذشته‌ای را در یاد زنده کنند که پس از نقطه آغاز اولین روایت رخ داده‌اند، اما یا به‌گونه‌ای پس‌نگرانه تکرار شده‌اند یا اینکه خارج از مکان «مقرر» برای اولین مرتبه در نقطه‌ای از متن نقل شده‌اند (همان).

ج- گذشته‌نگری‌های مرکب^{۱۰}: اگر دوره‌ای که گذشته‌نگری را دربر می‌گیرد، پیش از نقطه آغاز اولین روایت آغاز شود، اما در مرحله بعدتر، داستان این دوره به اولین روایت متصل شود

-
1. anachronies
 2. flashback
 3. retrospection
 4. foreshadowing
 5. anticipation
 6. analepsis
 7. prolepsis
 8. external analepses
 9. internal analepses
 10. mixed analepses

یا از آن جلوتر برود، آن‌گاه گذشته‌نگری، مرکب خواهد بود (همان). بنابراین، گذشته-نگری‌های مرکب در اندرون گذشته‌نگری‌های برون‌داستانی پرورده می‌شوند.

۴-۳. آینده‌نگری

آینده‌نگری، روایت شدن رخداد داستان پیش از نقل شدن رخداد‌های اولیه است؛ گویی روایت به آینده داستان نقل مکان می‌کند. اگر سه رخداد الف، ب و ج به ترتیب ج، الف و ب پشت سر هم قرار گیرند، آن‌گاه رخداد «ج»، آینده‌نگر خواهد بود. در مجموع، بحث ژنت این است که کاربرد آینده‌نگری در روایت‌های اول شخص نسبت به دیگر روایت‌ها نمود برجسته‌تری دارد (ریمون کنان، ۲۰۰۸ و ژنت، ۱۹۸۰). ژنت می‌گوید، دست کم در سنت روایی غرب، آینده‌نگری‌ها آشکارا کم‌پسامدتر از گذشته‌نگری‌ها هستند (ژنت، ۱۹۸۰).
آینده‌نگری‌ها نیز همانند گذشته‌نگری‌ها به سه دسته بخش می‌شوند:

الف- آینده‌نگری‌های درون‌داستانی^۱

ب- آینده‌نگری‌های برون‌داستانی^۲

ج- آینده‌نگری‌های مرکب^۳

آینده‌نگرها می‌توانند به یک شخصیت، رخداد یا خط داستان در متن اشاره کنند (درون‌داستانی) یا به شخصیت، رخداد و خط داستان دیگر (برون‌داستانی). همچنین آینده‌نگرها همانند گذشته‌نگرها می‌توانند دوره‌ای و رای پایان اولین روایت را دربر بگیرند (بیرونی) یا دوره‌ای مقدم بر اولین روایت یا مؤخر بر نقطه‌ای که نقل اولین روایت در آن آغاز شده است (درونی) یا می‌توانند ترکیبی از بیرونی و درونی باشند (مرکب) (ریمون کنان، ۲۰۰۸ و ژنت، ۱۹۸۰).

گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها به دودسته اصلی و فرعی هم بخش می‌شوند؛ چنانچه درباره شخصیت، رخداد و یا خط سیر روایت باشند، گذشته‌نگرها و آینده‌نگرهای اصلی و گرنه فرعی به‌شمار می‌روند (ن. ک: ژنت، ۱۹۸۰). آینده‌نگری می‌تواند در سیر روایی داستان، روایتی تهی داشته باشد به گونه‌ای که در ادامه روایت دیگر هیچ اشاره‌ای به آن نشده باشد. همه آینده‌نگری‌های برون‌داستانی روایتی تهی دارند. آینده‌نگری پرش از اکنون به آینده

1. internal prolepses
2. external prolepses
3. mixed prolepses

است و چگونگی نمود آن در روایت، خواننده را با تعلیق، کنجکاوی و شگفتی روبه‌رو می‌کند (ن. ک: تولان، ۱۳۸۳).

۴-۴. تداوم (دیرش)

دومین مقوله در دستگاه روایت‌شناسی ژنت، فراز و فرود جریان زمان در داستان و روایت است. دیرش به رابطه مدت زمان وقوع یک رخداد در جهان داستان و مدت‌زمانی که طول می‌کشد تا این رخداد روایت شود، می‌پردازد (ن. ک: برتنس، ۱۳۸۷؛ تاینس، ۱۳۸۷ و آلوت^۱، ۱۳۶۸). ژنت زمان داستان را زمان واقعی و متعارف و زمان روایت را شبه‌زمان^۲ می‌داند (ژنت، ۱۹۸۰). سرعت روایی یک داستان بیش از هر مقوله روایت‌شناختی دیگری با مقوله دیرش در پیوند است. «سرعت یک روایت با رابطه میان دیرش (آنچه از داستان که با ثانیه‌ها، دقیق، ساعت‌ها، روزها، ماه‌ها و سال‌ها سنجیده می‌شود) و طول^۳ (آنچه از متن که با سطرها و صفحه‌ها سنجیده می‌شود)، مشخص می‌شود» (ژنت، ۱۹۸۰). رابطه میان زمان روایت و زمان واقعی می‌تواند به یکی از سه گونه زیر باشد:

۴-۴-۱. شتاب منفی^۴

اختصاص بخشی بلند از متن به مدت زمان کوتاهی از داستان، شتاب منفی را در روند روایت ایجاد می‌کند (ریمون کنان، ۲۰۰۸). شتاب منفی در حد نهایی خود منجر به مکث توصیفی^۵ می‌شود؛ زیرا توصیف ماجرا، زمان خواندن را طولانی‌تر از زمان رویداد می‌کند (تولان، ۱۳۸۳). راوی با آوردن روایت‌های فرعی، ذهن‌پردازی‌ها و یا تک‌گویی‌های خود و دیگر-شخصیت‌ها، همچنین آوردن گذشته‌نگری‌های پی‌در پی که برای رها شدن از کشمکش با زمان حال انجام می‌گیرد و یا افزودن رخداد‌های مستقل و... به روایت‌ها بر حجم روایت داستان می‌افزاید و به گونه‌ای محسوس، روایت را با شتاب منفی روبه‌رو می‌کند.

1. Allot, M. F.
2. pseudo-time
3. length
4. deceleration
5. descriptive pause

۴-۴-۲. شتاب مثبت^۱

اختصاص بخشی کوتاه از متن روایت به مدت زمان درازی از داستان، شتاب مثبت را در پی خواهد داشت (ریمون کنان، ۲۰۰۸). حذف و خلاصه‌گویی دو شگرد اصلی برای افزودن شتاب روایت هستند (ن. ک: تولان، ۱۳۸۳).

۴-۴-۱. حذف^۲

حذف در یک روایت آن مقدار از زمان داستان است که از روایت برچیده شده است (ن. ک: ژنت، ۱۹۸۰). حذف یا از گونه آشکار^۳ است یا از گونه ضمنی^۴. حذف‌های آشکار از یک نشانه حذف زمانی (مشخص^۵ یا نامشخص^۶) نشأت می‌گیرند. حذف‌های ضمنی حضورشان در متن اظهار نمی‌شود و خواننده می‌تواند تنها از طریق برخی خلاصه‌ها یا شکاف‌های زمانی در پیوستار روایت آن‌ها را استنباط کند (ژنت، ۱۹۸۰).

۴-۴-۲. خلاصه^۷

خلاصه یک تکنیک روایی در داستان است که در آن زمان داستان گسترده‌تر و بزرگ‌تر از شبه‌زمان روایت است؛ به گونه‌ای که رویدادهای داستانی در کمترین مقدار روایی به نمایش درمی‌آیند و جزئیاتی مانند کنش‌ها، توصیف‌ها و نقل‌قول‌ها از روایت کنار گذاشته می‌شوند (ن. ک: ژنت، ۱۹۸۰). رویدادهای فرعی و ک‌ماهمیت که روایت را از تکاپو بازمی‌دارند، بهترین گزینه برای خلاصه شدن در روایت هستند.

۴-۴-۳. شتاب ثابت^۸

ثبات سرعت در روایت، نسبت بدون تغییری میان زمان داستان و طول متن است. برای نمونه زمانی که یک سال از زندگی یک شخصیت در یک صفحه در میان متن گفته می‌شود،

-
1. acceleration
 2. ellipsis
 - 3 . explicit
 - 4 . implicit
 5. definite
 6. indefinite
 7. summary
 8. constancy

سرعت ثابت می‌شود (ن. ک. ریمون کنان، ۲۰۰۸). در این هنگام، نسبت یک‌به‌یک در بخشی از داستان و بخش متناظر آن در روایت به کار گرفته شده است. ژنت اصطلاح همزمانی^۱ را در گزارش ثبات نسبی داستان و روایت به کار می‌گیرد (ن. ک. ژنت، ۱۹۸۰). گفت‌وگوها نمونه برجسته‌ای از سرعت ثابت برقرار شده میان داستان و روایت هستند. صحنه^۲ همراه با گفت‌وگو هم از گونه‌های برابری قراردادی میان زمان روایت و زمان داستان است. صحنه، بیشتر در گفت‌وگو دیده می‌شود (ن. ک. ژنت، ۱۹۸۰).

۴-۵. بسامد (تکرار)

سومین رابطه میان ترتیب زمانی و ترتیب روایی داستان در دستگاه روایت‌شناسی ژنت، بسامد یا تکرار است. «آنچه را من بسامد روایت می‌نامم، یعنی روابط بسامد (یا به زبان ساده‌تر روابط تکرار) میان روایت و داستان^۳ که تاکنون منتقدان و نظریه‌پردازان رمان مطالعات اندکی در این زمینه داشته‌اند.» (ژنت، ۱۹۸۰). بسامد، نسبت زمان را با موقعیت روشن می‌کند (ن. ک. ژنت، ۱۹۸۰ و احمدی، ۱۳۷۰). ممکن است شخصیت‌های مختلف داستان، رخداد واحدی را از زوایای دید گوناگون گزارش کنند، یا یک رخداد از زبان یک شخصیت واحد، اما در برهه‌هایی مختلف از زندگی او نقل شود که زوایای دید متعدد را به دنبال خواهد داشت (برتنس، ۱۳۸۷ و نیز ن. ک. ریکور، ۱۹۸۴). «روایت می‌تواند چیزی را که یک‌بار روی داده، یک‌بار بگوید؛ چیزی را که n بار روی داده، n بار بگوید؛ چیزی را که یک‌بار روی داده n بار بگوید؛ و چیزی را که n بار روی داده، یک‌بار بگوید» (ژنت، ۱۹۸۰). رابطه کمی میان رخدادها و داستانی و روایت آن‌ها در متن به یکی از گونه‌های زیر نمود پیدا می‌کند.

1. isochrony
2. scene
3. diegesis

۴-۵-۱. بسامد مفرد یا تک‌محور^۱

ژنت روایتی را که در آن یک رویداد یک‌بار روایت شده^۲، روایت مفرد^۳ و روایتی که در آن، آنچه n بار روی داده، n بار نیز روایت شده^۴ را مفرد نامیده است. به گفته ژنت «روایت مفرد براساس تعداد رویدادهای دوطرف تعریف نمی‌شود، بلکه براساس برابر بودن این تعداد شناخته می‌شود» (ژنت، ۱۹۸۰). بسامد مفردی که رویداد و روایتی واحد داشته باشد، تک‌وجهی و گرنه چندوجهی نامیده می‌شود. این شیوه، متداول‌ترین نوع بسامد در ساختار روایت است.

۴-۵-۲. بسامد مکرر یا چندمحور^۵

n بار روایت کردن رویدادی که یک‌بار واقعه شده^۶، نوع دیگری از بسامد در روایت است که ممکن است با ادبیات بی‌ارتباط پنداشته شود. بسیاری از متن‌های مدرن بر پایه گنجایش‌های روایی برای تکرار بنیان نهاده شده‌اند (ن. ک: ژنت، ۱۹۸۰ و نیز ن. ک: تودوروف، ۱۳۷۹).

۴-۵-۳. بسامد بازگو^۷

سرانجام، یک‌بار روایت کردن (یا به عبارتی در یک‌بار روایت کردن) چیزی است که n بار روی داده است.^۸ این نوع روایت را که یک‌گفتار روایی منفرد چندین وقوع از یک حادثه را پوشش می‌دهد، ما روایت بازگو^۹ می‌نامیم (ژنت، ۱۹۸۰ و نیز ن. ک: ریمون کتان، ۲۰۰۸ و تودوروف، ۱۳۷۹).

-
1. singulativ ferqueency
 2. 1N/1S
 3. singulative narrative
 4. nN/nS
 5. repetitive ferqueency
 6. nN/1S
 7. iterative ferqueency
 8. 1N/nS
 9. iterative narrative

۵. بررسی مقوله‌های نظم، دیرش و بسامد در ساختار روایی رمان سال‌های ابری اکنون مقوله‌های نظم و ترتیب (که زمان‌پریشی‌ها را در کانون بررسی خود دارد)، دیرش یا تداوم (که رابطه میان زمان داستان و شبه‌زمان روایت را می‌سنجد) و بسامد (که به تکرار رخداد‌های داستانی در روند روایت می‌پردازد) در رمان سال‌های ابری مطالعه می‌شود.

۵-۱. نظم و ترتیب در رمان سال‌های ابری

۵-۱-۱. گذشته‌نگری

در رمان سال‌های ابری راوی گاهی در روند روایت، زمان آن را به گذشته برمی‌گرداند. در واپس‌نگری‌های این رمان با دو زمان روبه‌رو می‌شویم:

– زمان گذشته‌دور: این گونه گذشته‌نگری بیشتر در جلد اول رمان و ابتدای جلد چهارم به کار رفته است. از آنجا که راوی هیچ اطلاعی درباره رویدادهای دور ندارد، خود را کنار می‌کشد تا رویدادها از زبان شخصیت‌های دیگر داستان روایت شود. روایت در رمان سال‌های ابری در زمان حال آغاز می‌شود. هم‌زمان با به دنیا آمدن فرزند سوم خانواده، راوی تولد خود را از زبان بی‌بی تداعی می‌کند و اولین گذشته‌نگری دور را در داستان به‌وجود می‌آورد: «بی‌بی در کنارم دراز می‌کشد و در زیر نور نارنجی چراغ با خستگی تعریف می‌کند: ...» (درویشیان، ۱۳۸۷). زمان آغاز این روایت چون پیش از روایت اصلی بوده از نوع برون‌داستانی است و از آن رو که این روایت درباره روای است از گونه گذشته‌نگری اصلی است. بی‌بی با خاطره‌هایی که برای راوی تعریف می‌کند، روند روایت را از حال به گذشته‌های بسیار دورتر از روایت اصلی می‌برد و دوباره آن را به زمان حال برمی‌گرداند که گذشته‌نگری‌هایی از گونه مرکب هستند. راوی با گذشته‌نگری از زبان پدرش، مشی‌بوچان، ماجراهای پدربزرگش، داوریشه و مادربزرگش، خانمی را که شامارخان آن‌ها را زندانی کرده بوده، روایت می‌کند (همان).

– زمان گذشته نزدیک: در این گونه گذشته‌نگری، راوی رویدادهایی را که به روزها، هفته‌ها یا سال پیش بازمی‌گردد، روایت می‌کند. افزون بر راوی، این رویدادها از زبان دیگر شخصیت‌ها نیز بازگو می‌شود و به‌نمایش درمی‌آید؛ زمانی که دایی حامد از سربازی برگشته، راوی دست به گذشته‌نگری نزدیک می‌زند و از ماجراهایی که در جنگ بر او گذشته،

روایت می‌کند (همان). بی‌بی از خواستگاری رفتن‌های خود برای دایی حامد گزارش می‌دهد و زمان روایت را به گذشته نزدیک می‌برد (همان).
 بیشتر گذشته‌نگری‌های رمان سال‌های ابری در زمان گذشته نزدیک روی می‌دهند. از آنجا که بیشتر این گذشته‌نگری‌های نزدیک در جریان سیر اصلی داستان هستند از گونه درون‌داستانی و از آنجا که درباره شخصیت‌های اصلی داستان هستند از گونه گذشته‌نگری اصلی به‌شمار می‌روند.

۵-۱-۲. آینده‌نگری

آینده‌نگری در رمان سال‌های ابری، گاهی از زاویه دید راوی و گاهی از زاویه دید شخصیت‌های اصلی یا فرعی حاضر در روایت به انجام می‌رسد. در زمان مرگ خانمی، بی‌بی با یک آینده‌نگری روایت‌آمیز درون‌داستانی پیش‌بینی می‌کند که گیدان، اموال خانمی را بالا بکشد (همان). راوی هنگامی که در زندان است با آینده‌نگری وقوع انقلاب را در نامه‌ای که به همسرش می‌نویسد، پیش‌بینی می‌کند و در ادامه روایت بر این آینده‌نگری خود تأکید می‌کند (همان). چون پی روزی انقلاب بعد از روایت اصلی رخ می‌دهد، این آینده‌نگری از گونه برون‌داستانی و تھی است.

هرچند بسامد زمان‌پریشی‌های گذشته‌نگر و آینده‌نگر در این رمان زیاد است، اما وجه غالب بر ساختار روایی رمان، نظم خطی و یکنواخت است. از همین رو، در جدول‌های (۱) و (۲) به شمارش تخطی‌های زمانی گذشته‌نگر و آینده‌نگر برای سنجش میزان انحراف معیار روایت از روند متعارف و متداول خود بسنده می‌شود.

جدول ۱. گذشته‌نگری‌های رمان سال‌های ابری

فرآوانی	گونه‌های گذشته‌نگری
۹۲	گذشته‌نگری‌های راوی
۱۴۳	گذشته‌نگری‌های شخصیت‌های اصلی
۱۶۱	گذشته‌نگری‌های شخصیت‌های فرعی
۳۹۶	مجموع گذشته‌نگری‌ها

جدول ۲. آینده‌نگری‌های رمان سال‌های ابری

فراوانی	گونه‌های آینده‌نگری
۷۹	آینده‌نگری‌های راوی
۲۹	آینده‌نگری‌های شخصیت‌های اصلی
۶۰	آینده‌نگری‌های شخصیت‌های فرعی
۱۶۸	مجموع آینده‌نگری‌ها

۲-۵. تداوم (دیرش) در رمان سال‌های ابری

در رمان سال‌های ابری هر چند زمان تقویمی دقیقی مشخص نشده و راوی نیز مرزبندی دقیقی از سال‌های زندگی‌اش تعیین نکرده، اما در روایت‌هایش نشانه‌های زمانی را کمابیش به کار برده و می‌توان از روی این نشانه‌ها که گاهی آشکار است، بازه آغاز تا انجام زمان داستان را اندازه گرفت. راوی در این رمان ماجراهای زندگی خودش، شریف داوریشه، شخصیت اصلی داستان، را از سن ۴ سالگی تا ۳۷ سالگی روایت می‌کند که به تقریب، ۳۳ سال از دوران زندگی وی را دربر می‌گیرد. حجم متن اختصاص یافته به این ۳۳ سال، ۱۶۲۲ صفحه است. اکنون جلد‌های چهارگانه کتاب سال‌های ابری و زمان داستان در هریک از جلد‌های کتاب به چهار بخش تقسیم می‌شود (جدول (۳)).

جدول ۳. بخش‌بندی هریک از جلد‌های چهارگانه رمان سال‌های ابری بر پایه زمان

بخش‌بندی	شماره جلد	سن تقویمی راوی	زمان داستان در هر جلد	تعداد صفحات هر جلد
اول	اول	۱۰ - ۴ سالگی (دوران کودکی)	حدود ۶ سال	۴۰۶ صفحه
دوم	دوم	۲۰ - ۱۰ سالگی (از دوران کودکی تا دانش‌آموختگی از دانشسرا)	حدود ۱۰ سال	۴۲۴ صفحه
سوم	سوم	۳۰ - ۲۰ سالگی (از آغاز معلمی تا آغاز دستگیری و زندانی شدن)	حدود ۱۰ سال	۳۳۸ صفحه
چهارم	چهارم	۳۷ - ۳۰ سالگی (سه دوره زندان رفتن تا آزاد شدن در آستانه انقلاب اسلامی)	حدود ۷ سال	۴۲۷ صفحه

براساس جدول (۳) میانگین صفحات اختصاص یافته به زمان داستان در همه رمان سنجش‌پذیر خواهد بود که در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. میانگین ضرباهنگ زمان داستان در برابر شبه‌زمان روایت در رمان سال‌های ابری

زمان داستان در رمان	۳۳ سال	۳۹۶ ماه	۱۲۰۴۵ روز
شبه‌زمان روایت = صفحات اختصاص یافته به رمان	۱۶۲۲ صفحه	۱۶۲۲ صفحه	۱۶۲۲ صفحه
میانگین ضرباهنگ زمان داستان در روایت = تقسیم زمان داستان بر صفحات رمان	۰/۰۲۰	۰/۲۴۴	۷/۴۲

با توجه به اینکه هر سال ۳۶۵ روز است، آن‌گاه هر ماه یک سال میانگین ۳۰/۴۱۶ روز خواهد داشت و ۳۳ سال داستان، برابر با ۳۹۶ ماه و ۱۲۰۴۵ روز خواهد بود. جدول (۴) گویای آن است که هر سال داستان، میانگین ۰/۰۲۰ سال در هر صفحه روایت پیش‌رفته است. همچنین هر ماه داستان، میانگین ۰/۲۴۴ ماه در هر صفحه و روزهای داستان، میانگین ۷/۴۲ روز در هر صفحه سرعت پیش‌روی داشته است. بنابراین، شتاب ثابت گذار روزهای داستان در هر صفحه روایت از همه رمان، ۷/۴۲ روز است؛ بدین معنی که اگر در هر یک از جلد‌های چهارگانه رمان، روزهای بیشتری از داستان به هر صفحه اختصاص یافته باشد، زمان داستان بزرگ‌تر از شبه‌زمان روایت خواهد شد و مقدار کمتری از روایت در برابر زمان داستان درنگ ایجاد خواهد کرد که نتیجه آن شتاب مثبت داستان خواهد بود. چنانچه زمان داستان کمتری در هر صفحه روایت باز نمود داشته باشد، روایت بر داستان چیره و شتاب داستان منفی خواهد شد.^۱ اکنون ضرباهنگ زمان داستان و شبه‌زمان روایت در هر جلد از رمان بررسی می‌شود.

در جدول (۵) ضرباهنگ گذار زمان داستان از مسیر روایت در جلد اول رمان برای روزهای ابری ارائه شده است. براساس این جدول ضرباهنگ گذار زمان داستان از مسیر روایت در این جلد از رمان روزهای ابری در برابر هر صفحه رمان میانگین ۵/۳۹ روز در هر صفحه از روایت بوده است و در مقایسه با تداوم میانگین زمان داستان در هر صفحه روایت در کل رمان که ۷/۴۲ روز در هر صفحه است؛ سرعت زمان داستان کمتر و شتاب آن منفی شده است.

۱. برخی از مقادیر کمی اعشاری در بررسی شتاب رمان به‌سوی مقادیر نزدیک‌تر گرد شده‌اند.

جدول ۵. ضرباهنگ زمان داستان در برابر شبه‌زمان روایت در جلد اول رمان سال‌های ابری

روز	ماه	حدود ۶ سال	زمان داستان در جلد اول رمان
۲۱۹۰	۷۲	۴۰۶ صفحه	صفحات اختصاص یافته به جلد اول رمان
۴۰۶ صفحه	۴۰۶ صفحه	۴۰۶ صفحه	میانگین ضرباهنگ زمان داستان در روایت = تقسیم زمان داستان بر صفحات جلد اول
۵/۳۹	۰/۱۷۷	۰/۰۱۴	

در جدول (۶) ضرباهنگ گذار زمان داستان از مسیر روایت در جلد دوم رمان برای روزهای ابری ارائه شده است. براساس این جدول در جلد دوم رمان، زمان داستان، میانگین ۸/۶۰ روز در هر صفحه از روایت تداوم داشته که نشان می‌دهد در مقایسه با ضرباهنگ میانگین رمان که ۷/۴۲ روز در هر صفحه است، درنگ زمان داستان در هر صفحه از روایت کمتر شده و در نتیجه شتاب داستان در جلد دوم مثبت داشته است.

جدول ۶. ضرباهنگ زمان داستان در برابر شبه‌زمان روایت در جلد دوم رمان سال‌های ابری

روز	ماه	حدود ۱۰ سال	زمان داستان در جلد دوم رمان
۳۶۵۰	۱۲۰	۴۲۴ صفحه	صفحات اختصاص یافته به جلد دوم رمان
۴۲۴ صفحه	۴۲۴ صفحه	۴۲۴ صفحه	میانگین ضرباهنگ زمان داستان در روایت = تقسیم زمان داستان بر صفحات جلد دوم
۸/۶۰	۰/۲۸۳	۰/۰۲۳	

در جدول (۷) ضرباهنگ گذار زمان داستان از مسیر روایت در جلد سوم رمان برای روزهای ابری ارائه شده است. براساس این جدول در جلد سوم رمان، ۱۰/۸۰ روز از داستان میانگین پراکنش در هر صفحه روایت داشته که در مقایسه با تداوم ثابت رمان که ۷/۴۲ روز در هر صفحه رمان است، زمان داستان در برابر روایت بزرگ‌تر و سرعت نمایش داستان در هر صفحه روایت بیشتر شده که شتاب مثبت سیر زمان داستان را به دنبال داشته است.

جدول ۷. ضرباهنگ زمان داستان در برابر شبه‌زمان روایت در جلد سوم رمان سال‌های ابری

روز	ماه	حدود ۱۰ سال	زمان داستان در جلد سوم رمان
۳۶۵۰	۱۲۰	۳۳۸ صفحه	صفحات اختصاص یافته به جلد سوم رمان
۳۳۸ صفحه	۳۳۸ صفحه	۳۳۸ صفحه	میانگین ضرباهنگ زمان داستان در روایت = تقسیم زمان داستان بر صفحات جلد سوم
۱۰/۸۰	۰/۳۵۵	۰/۰۲۹	

در جدول (۸) ضرباهنگ گذار زمان داستان از مسیر روایت در جلد چهارم رمان برای روزهای ابری ارائه شده است. براساس این جدول در جلد چهارم رمان، ۵/۹۸ روز از داستان در هر صفحه از روایت رمان توزیع میانگین داشته که در مقایسه با تداوم ثابت هر روز از زمان داستان در هر صفحه از روایت رمان که ۷/۴۲ روز است؛ زمان داستان کوچک‌تر و درنگ روایت بیشتر شده است. بنابراین، شتاب داستان در جلد چهارم منفی بوده است.

جدول ۸. ضرباهنگ زمان داستان در برابر شبه‌زمان روایت در جلد چهارم رمان سال‌های ابری

روز	۲۵۵۵	ماه ۸۴	حدود ۷ سال	زمان داستان در جلد چهارم رمان
صفحه	۴۲۷	صفحه ۴۲۷	صفحه ۴۲۷	صفحات اختصاص یافته به جلد چهارم رمان
	۵/۹۸	۰/۱۹۶	۰/۰۱۶	میانگین ضرباهنگ زمان داستان در روایت = تقسیم زمان داستان بر صفحات جلد چهارم

از آمارهای به‌دست آمده دانسته می‌شود که روایت رخداد‌های داستانی رمان سال‌های ابری همیشه یکسان نیست. گاهی گذار داستان سرعت کمتری دارد و گاهی هم داستان شتاب بیشتری می‌گیرد. در ادامه چرایی منفی، مثبت و ثابت شدن شتاب در رمان سال‌های ابری بررسی می‌شود.

۱-۲-۵. عناصر کاهنده شتاب روایت در رمان سال‌های ابری

۱-۱-۲-۵. درنگ توصیفی

توصیف راوی از صحنه‌های دهشت‌آور فقر و زندان در جای‌جای این رمان دیده می‌شود که برآمده از زندگی فقیرانه و دردآلود اوست؛ برای نمونه گزارش چگونگی دستگیر شدن راوی به‌همراه دوستش، خداکرم، در جلد چهارم، فصل «کمپته»، جزء به جزء در ۳۲ صفحه روایت شده است. تصویر کردن شکنجه‌ها و اقدامات امنیتی ساواک در زندان که در صفحه‌های «۱۳۵۸، ۱۳۶۵ و ۱۵۵۵۲» نمود یافته از دیگر نمونه‌های درنگ توصیفی در این رمان هستند.

۵-۲-۱-۲. شخصیت پردازی

گسترده‌گی زمانی و مکانی رمان سال‌های ابری، حضور شخصیت‌های متعدد اصلی و فرعی را در روایت ناگزیر می‌کند. شخصیت‌پردازی با توصیف پیوندی تنگاتنگ دارد تا جایی که بدون آن ممکن نمی‌شود.

راوی توصیف شخصیت‌ها را از بی‌بی آغاز می‌کند که تأثیر مستقیمی بر شخصیت وی داشته و تیپ مادر بزرگ مهربان را برای روایت‌ش به تصویر می‌کشد. توصیف افراد و کارهای هر روزه‌شان که هر کدام از آن‌ها نمونه‌ای از انسان‌های درد کشیده جامعه زمان راوی هستند از دیگر توصیف‌های راوی برای نمایاندن دقیق‌تر شخصیت‌های رمان است (همان).

۵-۲-۱-۳. گذشته‌نگری

در رمان سال‌های ابری راوی و دیگر شخصیت‌ها با بیان مکرر خاطرات گذشته به گسترش روایت می‌پردازند و با رفت و برگشت‌های پیاپی شتاب روایت را منفی می‌کنند؛ برای نمونه بی‌بی زندگی گذشته خود و شیوه بزرگ کردن بچه‌هایش را در صفحه‌های «۳۲-۲۸، ۵۱-۵۰ و ۱۹» برای راوی روایت می‌کند یا در جلد چهارم، فصل «نبض زنجیر»، صفحه‌های «۱۲۳۰-۱۱۹۹»، راوی هنگام گزارش ماجرای دستگیری‌اش هم خواننده رمان را با خود به گذشته می‌برد و هم زمان داستان را می‌ایستاند و بر حجم روایات می‌افزاید. این گذشته‌نگری‌ها شتاب منفی روایت را به دنبال دارد.

۵-۲-۱-۴. تک‌گویی درونی

تک‌گویی درونی، گفت‌وگوی یک‌نفره‌ای است که در ذهن شخصیت اصلی داستان جریان دارد. خواننده نیز به گونه‌ای غیرمستقیم در جریان افکار و واکنش‌های راوی نسبت به اطرافیان و محیط پیرامونش قرار می‌گیرد و سیر اندیشه‌های او را دنبال می‌کند (ن. ک: میرصادقی و میرصادقی، ۱۳۷۷). تک‌گویی درونی مستقیم شیوه غالبی است که راوی - قهرمان رمان سال‌های ابری رخدادها را از دریچه نگاه اول شخص روایت کرده است. راوی گاهی با تک‌گویی‌های خود از رنج‌های مادر و احساسات سپاس‌مندانه خود به او سخن می‌گوید (ن. ک: درویشیان، ۱۳۸۷) و در صفحه ۴۷۸ رمان، هنگام بیماری مادر، دلسوزگی‌ها و نازک-دلی‌هایش را برای مادر بسیار زیبا تک‌گویی می‌کند.

۵-۲-۱-۵. استفاده از شعر

یکی دیگر از عنصرهای کاهنده شتاب روایت در رمان سال‌های ابری، کاربرد فراوان اشعار فارسی دارای فرم و محتوای متفاوت است. زمان داستان با به کارگیری اشعار مداخله‌ای صفر می‌شود و برعکس، شبه‌زمان روایت گسترش می‌یابد. راوی گاهی این شعرها را در کلاس درس از زبان خودش می‌آورد (همان). هنگامی که در زندان به سر می‌برد در خلوت خود ابیاتی از شعر «اجاق سرد» از نیما یوشیج را زمزمه می‌کند (همان). روی هم رفته، راوی در صفحه‌های ۲۵، ۱۱۵، ۱۴۲، ۱۵۴، ۱۷۳، ۲۰۴، ۲۵۰، ۲۷۸، ۲۸۸، ۲۹۵، ۳۴۸، ۴۴۲، ۴۶۹، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۹، ۵۲۷، ۵۷۹، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۱۲، ۷۱۷، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۷۴، ۷۷۸، ۷۹۴، ۷۹۵، ۸۹۶، ۷۹۷، ۸۰۸، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۸۲، ۸۸۳، ۹۴۰، ۸۸۴، ۹۵۲، ۹۶۶، ۱۰۰۲، ۱۱۵۱، ۱۱۸۰، ۱۱۸۳، ۱۱۸۹، ۱۲۳۱، ۱۲۳۴، ۱۲۸۳، ۱۲۸۶، ۱۳۳۰، ۱۳۴۷، ۱۳۷۲، ۱۳۸۹، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۶، ۱۴۷۱، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۵۰۵، ۱۵۶۱، ۱۵۶۳، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹ و ۱۶۲۲ از شعر استفاده کرده است.

۵-۲-۱-۶. بسامد (تکرار)

تکرار رویدادهای داستانی و فراوانی آن‌ها در ساختار روایت نیز شتاب روایی داستان را می‌کاهد. راوی - قهرمان در این رمان با تکرار بعضی از رویدادها نشان می‌دهد که آن رویدادها چه تأثیر ویژه‌ای بر افکار و رفتار او داشته‌اند؛ برای نمونه با تکرار کردن سخنان بی‌بی که در کودکی به او گفته در صفحه‌های «۳۰، ۲۳۲، ۳۴۲، ۵۹۶، ۶۴۸، ۸۰۷ و ۱۰۰۲»، نشان می‌دهد که بی‌بی جایگاه ویژه‌ای در شکل‌گیری شخصیت او داشته است. از میان دیگر بسامدهای مکرری که شتاب روایی داستان را کند کرده، می‌توان به تکرار کردن جرم زندانیان در صفحه‌های «۱۲۷۲ - ۱۲۷۳، ۱۲۷۷، ۱۲۹۳ و ۱۳۳۳» اشاره کرد.

۵-۲-۲. عناصر افزاینده شتاب روایت در رمان سال‌های ابری

۵-۲-۲-۱. حذف

راوی در بخش‌هایی از رمان با حذف کردن توضیحات و نکته‌های فرعی به روایت خود شتاب مثبت می‌دهد. در شگرد حذف، زمان در داستان گذشته است (گذشته‌نگری)، می‌گذرد (سیر خطی) و یا خواهد گذشت (آینده‌نگری)، اما شبه‌زمان در روایت سپری نمی‌شود

و به کمینه مقدار خود فشرده می‌شود. در رمان سال‌های ابری هر سه گونه حذف آشکارِ مشخص و نامشخص و حذف ضمنی (استنباطی) به کار رفته است.

در صفحه ۱۵۹۶، پس از آنکه راوی از آخرین بازجویی خود در زندان و گرفتن حکم ۱۱ ساله زندان گذشته‌نگری می‌کند، ماجراهای دو سال از زمان زندانی بودن خود را حذف می‌کند: «دو سال است در این سلولم. در این سلول‌ها افسرانی بودند که پس از کودتای بیست‌وهشتم مرداد ماه دستگیر شدند.»

راوی گاهی ماجراهای داستانی را حذف نامشخص می‌کند؛ برای نمونه در صفحه ۷۵۱ می‌گوید: «چند هفته بعد بی‌بی خبر می‌آورد: - در بازداشتگاه عمومی شهربانی است.»

گاهی نیز زمان داستان بدون هیچ‌گونه اشاره مستقیم یا غیرمستقیم حذف می‌شود و خواننده تنها با پیگیری دقیق خط سیر روایت، می‌تواند زمان حذف شده را با پندار خود دریابد. بیشترین و بلندترین زمان حذف شده استنباطی در این رمان در جلد سوم اتفاق افتاده است؛ جایی که راوی در صفحه‌های «۱۱۶۲، ۱۱۶۳ و ۱۱۹۸» بسیاری از ماجراها و رویدادهای روزانه زندگی خود را که در گذار هشت سال رخ داده (از غروب پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ تا نیمه دوم مرداد ۱۳۵۰)، روایت نمی‌کند و تنها به روایت بخش اندکی از آن بسنده می‌کند.

۵-۲-۲. خلاصه

فشردن رویدادهای داستانی در مقدار اندکی از روایت، ابزاری است که راوی برای سرعت بخشیدن به روایت خود می‌تواند به کار بگیرد. راوی و خانواده‌اش در خانه حمام ندارند. وی در صفحه ۴۸۳، ماجراهای بین راه و سرزدن به چند حمام را فشرده روایت می‌کند. همچنین در صفحه ۱۳۸۴، راوی پس از سپری کردن یک دوره حبس چند روزه از زندان آزاد می‌شود و پس از آزادی از کارهایی که انجام داده، خلاصه‌ای چندسطری را روایت می‌کند.

۵-۲-۳. بسامد بازگو

در رمان سال‌های ابری راوی بسیاری از رویدادهای کماهمیت و روزانه زندگی خود را که استمرار دارد، تنها یک‌بار روایت می‌کند تا بر سرعت روایت بیفزاید و از احوال مخاطب خود ملال‌زدایی کند. از همین رو است که برای نمونه، چندبار به سینما رفتن خود، دایی

سلیم، دایی حامد، یکی از اهالی محل به نام «حاجعلی» و پسری به نام «یونس» را تنها، یک بار روایت می‌کند (ن. ک: درویشیان، ۱۳۸۷).

۳-۲-۵. عناصر تثبیت‌کننده شتاب روایت در رمان سال‌های ابری

۱-۳-۲-۵. گفت‌وگو (دیالوگ)

در گفت‌وگوهایی که راوی چشم‌انداز بسیاردانی و بسیارگویی را رها می‌کند، واژه‌هایی که شخصیت‌های داستانی بر زبان می‌آورند به تقریب همان واژه‌هایی هستند که باز نمود نویسایی می‌یابند. بنابراین، در گفت‌وگوهایی از این گونه، شتاب روایت ثابت خواهد بود. در رمان سال‌های ابری عنصر گفت‌وگو بنیان عناصری دیگر، مانند شخصیت‌پردازی، صحنه‌پردازی، نقل‌نمایشی و کانونی‌سازی است و در ساختار رمان توزیع بالایی دارد. در این رمان گفت‌وگوهای درون‌خانوادگی (برای نمونه در صفحه‌های ۱۲۶ و ۵۷۶) به تقریب دارای شتاب ثابت روایی هستند. گفت‌وگو مهم‌ترین ابزار برای بازنمایی صحنه‌نمایشی است.

۲-۳-۲-۵. صحنه‌نمایشی^۱

صحنه‌نمایشی داستان را با شتاب ثابت به پیش می‌برد و بیشتر از رهگذر گفت‌وگو ممکن می‌شود. در اینجا راوی، دانای کل توضیح‌گر نیست، بلکه تنها به دادن اطلاعات بسنده می‌کند (ن. ک: لوت^۲، ۱۳۸۸). در صحنه‌نمایشی روایت به اندازه حواس دریابنده راوی به ویژه چشمان مشاهده‌گر وی گسترده می‌شود و جهان ذهنی او به روایت راهی نمی‌یابد. راوی در رمان سال‌های ابری صحنه‌های زندگی مردمان ستم‌دیده را بسیار هنرمندانه توصیف می‌کند: صحنه کتک خوردن «خالو حیدر» به خاطر چند دانه تخمه هندوانه (ن. ک: درویشیان، ۱۳۸۷) و نمایش فقر و تنگدستی خانواده راوی در جای‌جای رمان (برای نمونه در صفحه‌های ۴۵۴ - ۴۵۳ و ۹۹۸ - ۹۹۷) از جمله صحنه‌های داستانی‌ای هستند که راوی آن‌ها را روایت کرده است.

1. dramatic scene

2. Lothe, J.

جدول ۹. فراوانی عناصر کاهنده شتاب روایت

عصرهای کاهنده شتاب	فراوانی هر عنصر در روایت
درنگ توصیفی	۵۹
شخصیت پردازی	۴۲
گذشته‌نگری	۳۹۶
تک‌گویی	۵۱
استفاده از شعر	۷۴
بسامد (تکرار)	۵۴
جمع	۶۷۶

جدول ۱۰. فراوانی عناصر افزایشده شتاب روایت

عصرهای افزایشده شتاب	فراوانی هر عنصر در روایت
حذف	۱۸۰
خلاصه	۵۲
بسامد بازگو	۳۶۹
جمع	۶۰۱

۳-۵. بسامد در رمان سال‌های ابری

سومین مقوله دستگاه روایت‌شناسی ژنت، بسامد است که به بررسی هر چند بار روی دادن یک حادثه و هر چند بار تکرار شدن آن حادثه در روایت می‌پردازد و با گونه‌های مفرد، مکرر و بازگو شناخته می‌شود.

۳-۵-۱. بسامد مفرد

چنان که گفته شد، بسامد مفرد خود بر دو گونه است: رویدادی که یک‌بار اتفاق افتاده، یک‌بار روایت می‌شود (بسامد مفرد تک‌وجهی)؛ رویدادی که چندبار اتفاق افتاده، همان تعداد بار روایت می‌شود (بسامد مفرد چندوجهی).

در رمان سال‌های ابری هر دو گونه بسامد مفرد دیده می‌شود؛ برای نمونه به دنیا آمدن برادران و خواهران راوی (بشیر، عذرا، حسین و فاطمه) که وی ماجراهای هریک را جداگانه در صفحه‌های «۱۸»، «۴۱۴»، «۷۱۸» و «۱۰۱۷» روایت کرده است، بسامد مفرد تک‌وجهی است.

نمونه‌هایی از بسامد مفرد چندوجهی نیز در این رمان دیده می‌شود که از میان شاخص‌ترین آن‌ها می‌توان به ماجراهای هفت سال زندانی شدن راوی و شکنجه‌های

دهشتناکی که در جلد چهارم رمان از سر می‌گذرانند در صفحه‌های ۱۲۴۵، ۱۲۸۴، ۱۲۸۷، ۱۳۱۱، ۱۳۳۷، ۱۳۵۸، ۱۳۶۲، ۱۳۸۰، ۱۴۱۰، ۱۵۴۴، ۱۵۴۸، ۱۵۵۰، ۱۵۵۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۸، ۱۵۸۶ و ۱۵۹۲ اشاره کرد.

۵-۳-۲. بسامد مکرر

بسامد مکرر روایت شدن چندبارهٔ یک رویداد است. رمان سال‌های ابری از آن رو که زندگی‌نامهٔ خود نوشت به‌شمار می‌رود با خاطرات متداعی و مکرر راوی درهم تنیده است. افزون بر خودِ راوی، دیگر شخصیت‌های کانونی شده^۱ نیز به یک‌رویداد می‌نگرند و آن - رویداد از روایتی چندگانه^۲ و چندصدایی^۳ برخوردار می‌شود. گذشته‌نگری‌ها و تک‌گویی‌ها بیشترین زمینه را برای بسامد مکرر فراهم کرده‌اند. از رخدادهایی که در داستان یک‌بار روی داده، اما راوی آن‌ها را چندبار روایت کرده است، این نمونهٔ را می‌توان نام برد: راوی در- صفحهٔ ۳۹۳ ماجرای چاقو زدن ابراهیم‌بهرام به امیرخان، نمایندهٔ تازه راه‌یافته به مجلس را مشاهده و روایت می‌کند و افزون بر این در چهار نوبت دیگر (در صفحه‌های «۷۵۲، ۸۴۴، ۸۵۸ و ۱۲۴۴») نیز به شیوهٔ تک‌گویی و همچنین با شگرد کانونی‌سازی روایت از زبان آقا مرتضی و خودِ ابراهیم‌بهرام، این ماجرا را بازگویی می‌کند و بسامد مکرر را پدید می‌آورد.

۵-۳-۳. بسامد بازگو

رویدادهای روزانه و دارای ارزش روایی پایین که تکرار آن روایت را از تکاپو باز می‌دارد، تنها یک‌بار روایت می‌شوند تا روایت با شتاب مثبتی به پیش رود. راوی در رمان سال‌های ابری بسامد بازگو را بارها در سطح داستان و روایت به کار گرفته است؛ برای نمونه راوی در سرآغاز رمان (صفحهٔ ۲۴)، بسیاری از کارهای شخصیت‌ها را که روزانه تکرار می‌شود، یک-بار روایت می‌کند و نیازی به بازگویی و چندبارگویی آن‌ها ندیده است: «عمو اَلْفَت، شوهر دوم بی‌بی هم می‌آید. او گاه بنایی می‌کند و این روزها، صبح زود، تاریک و روشن شناسنامه‌اش را برمی‌دارد و به راه می‌افتد. ...»

1. focalized
2. multiple
3. multiphonic

جدول ۱۱. فراوانی انواع بسامدهای به کار رفته در رمان سال‌های ابری

نوع بسامد	فراوانی
بسامد مفرد	۶۳۲
بسامد مکرر	۵۴
بسامد بازگو	۳۶۹
جمع	۱۰۵۵

۶. یافته‌های پژوهش

- بسامد مفرد تک‌وجهی به الزام، کاهنده یا تثبیت‌کننده روایت نیست و می‌تواند با توصیف‌های گسترده همراه باشد؛ برای نمونه در رمان سال‌های ابری داستان «بابای موری» با بسامد مفرد در ۵ صفحه (از صفحه ۱۵۲ تا ۱۵۷) ریزنگارانه، روایت شده است. بسامدهای دارای ساختار مفرد گنجایش شتاب ثابت بیشتری را در روایت دارند.

- بسامد مفرد چندوجهی امکان تولید معانی متفاوتی را در بافت‌های گوناگون برای یک-رویداد داستانی فراهم می‌کند؛ برای نمونه در رمان سال‌های ابری نقل مکان کردن‌های چندین باره خانواده راوی (ن. ک: درویشیان، ۱۳۸۷)، هربار نشانه‌های ضمنی متفاوتی را تولید می‌کند؛ از فضاسازی و شخصیت‌پردازی گرفته تا پی‌ریزی و تسلسل پیرنگ داستان‌ها، همگی از کنش‌های داستانی چنین تکراری است.

- در رمان سال‌های ابری، نویسنده گاهی برای آنکه داستان را بیش از اندازه از تکاپو نیندازد، پس از پایان روایت یک رخداد، سه سطر سفید روایی را برای زمان حذف شده داستان می‌سازد؛ چنان که در جلد چهارم از صفحه ۱۳۷۱ تا ۱۶۲۲ این تکنیک را ۶۳ بار به نمایش گذاشته و در هر یک از صفحه‌های ۱۳۷۶ و ۱۵۵۲ نیز به جای یک بار، دوبار از تکنیک روایی میان‌پرده تهی استفاده کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در رمان سال‌های ابری، گذار غالب داستان، سیری خطی داشته است، اما گذشته‌نگری‌ها و آینده‌نگری‌ها نیز در آن دیده می‌شود. هر سه گونه گذشته‌نگری‌های دور، نزدیک و مرکب در این رمان کاربرد داشته است: گذشته‌نگری‌های دور بیشتر از زبان دیگرشخصیت‌ها به انجام می‌رسد، زیرا برون‌داستانی هستند و برای راوی اطلاع تازه‌ای به‌شمار می‌روند. در گذشته‌نگری‌های نزدیک، راوی در کنار دیگرشخصیت‌ها به روایت رخدادها می‌پردازد و

بیشتر گذشته‌نگری‌های رمان از این گونه هستند. گذشته‌نگری‌های تودرتو که با نمود فعلی بعید و ابعاد روایت می‌شوند نیز شیوه‌ای دیگر از گذشته‌نگری و در چهارچوب نظری پژوهش شگردی نوآیین هستند. آینده‌نگری‌ها هم به‌شیوه درون‌داستانی و برون‌داستانی روایت می‌شوند که آینده‌نگری‌های برون‌داستانی روایتی تُهی دارند.

مقایسه شمارگان گذشته‌نگری‌ها و آینده‌نگری‌های رمان سال‌های ابری نشان می‌دهد که گذشته‌نگری‌ها بیش از دو برابر آینده‌نگری‌ها هستند. بیشتر گذشته‌نگری‌ها را به ترتیب، شخصیت‌های فرعی، شخصیت‌های اصلی و آن‌گاه خودِ راوی انجام داده‌اند، حال آنکه بیشتر آینده‌نگری‌ها را خودِ راوی از زاویه دید اول شخص انجام داده است که پراکنش شمارگان این زمان‌پریشی‌ها و چشم‌انداز روایت شدن آن‌ها با آرای ژنت همخوانی یک‌به‌یک دارد. بیشتر این زمان‌پریشی‌ها در ساختار روایی رمان معانی بلاغی ضمنی ایجاد کرده‌اند.

تداوم میانگین زمان داستان در روایت، ۷/۴۲ روز از داستان در هر صفحه از رمان است که مقایسه تداوم میانگین هر یک از جلد‌های چهارگانه رمان با تداوم میانگین همه رمان نشان می‌دهد شتاب روایت در هر جلد به ترتیب شمار، منفی، مثبت، مثبت و منفی است. راوی گاهی یک زمان مشخص از داستان را به کوتاهی و گاهی همان مقدار زمان را به گستردگی روایت می‌کند که متضمن تأکید، اعجاب و اِرهاب است و ارزش بلاغی دارد. درنگ‌های توصیفی، شخصیت‌پردازی‌ها، گذشته‌نگری‌ها، تک‌گویی‌های درونی، کاربرد فراوان شعر در لابه‌لای روایت‌ها و بسامدهای مفرد و مکرر از عناصر کاهنده شتاب روایت در رمان سال‌های ابری هستند.

حذف‌های آشکارِ مشخص و نامشخص و حذف‌های استنباطی، خلاصه‌گویی‌ها و بسامدهای بازگو نیز ابزارهای راوی برای افزودن شتاب روایت به‌شمار می‌روند. از میان عناصر کاهنده شتاب روایت، گذشته‌نگری‌ها، استفاده از شعر، درنگ‌های توصیفی و بسامدها به ترتیب بیشترین تأثیر را در کاهش شتاب روایت داشته‌اند و از میان عناصر افزاینده شتاب روایت به ترتیب بسامدهای بازگو، حذف‌ها و خلاصه‌گویی‌ها نقش برجسته‌ای در افزایش شتاب روایت داشته‌اند. در دستگاه نظری ژنت به همه این عناصر و ابزارهای کاهنده و افزاینده شتاب روایت (مانند کاربرد شعر)، اشاره مستقیم نشده است. بنابراین، هر نمونه مطالعاتی بر پایه آرای ژنت، می‌تواند نویافته‌هایی نظری را به‌همراه داشته باشد. همچنین بسامدهای مفرد تک‌وجهی و چندوجهی و بسامدهای مکرر شتاب روایت را کاسته و بسامدهای بازگو شتاب

روایت را افزوده‌اند. بسامدهای مفرد بیشترین شمار را در گذار روایی رمان دارند که این پدیدار روایی با گذار کُند و بیشتر خطی داستان مناسبت دارد. پس از بسامدهای مفرد، بسامدهای بازگو، فراوانی بیشتری دارند که به افزایش شتاب روایی داستان یاری رسانده‌اند. فرازوفروود گذار زمان داستان از میان روایت رمان سال‌های ابری نشان می‌دهد که راوی-نویسنده در جلد نخست و جلد چهارم، روایت را با توصیف‌ها و تداعی‌های بسیاری گسترانیده و سرعت سپری شدن زمان داستان را کاسته است تا شگردهای داستان‌پردازی به‌ویژه شخصیت‌پردازی و زمینه‌سازی را به کار گیرد، اما به کارگیری عنصری مانند کاربرد شعر در بر افزودن شبه‌زمان رمان، لحن و شخصیت‌پردازی در رمان را متأثر از ذهن شاعرانه نویسنده کرده و تُنک‌مایه کرده است.

در جلدهای دوم و سوم رمان سرعت زمان داستان در روایت رمان، افزوده می‌شود که این رخداد برآمده از افزایش کُنش‌ها و رویدادهای داستانی و کاهش توصیف‌ها و تداعی-هاست. کتاب رمان سال‌های ابری بیش از هر شگرد هنری، روی برانگیختن احساس مخاطب و همراه کردن همه ادراک او با کتاب زندگی نویسنده آن مایه گذاشته است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Morteza Heidari



<https://orcid.org/0000-0002-3117-1051>

منابع

- آسابرگر، آرتور. (۱۳۸۰). *روایت در فرهنگ عامه، رسانه و زندگی روزمره*. ترجمه محمدرضا لیراوی. تهران: سروش.
- آلوت، میریام فارسیس. (۱۳۶۸). *رمان به روایت رمان‌نویسان*. ترجمه علی محمد حق‌شناس. تهران: مرکز.
- احمدی، بابک. (۱۳۷۰). *ساختار و تأویل متن*. تهران: مرکز.
- اخوت، احمد. (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*. اصفهان: فردا.
- اسکولز، رابرت. (۱۳۹۳). *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*. ترجمه فرزانه طاهری. چ ۳. تهران: نشر آگه.

- اشمیتس، توماس. (۱۳۸۹). *درآمدی بر نظریه ادبی جدید و ادبیات کلاسیک*. ترجمه حسن صبوری و صمد علیون. تبریز: دانشگاه تبریز.
- اشمید، وولف. (۱۳۹۴). *درآمدی بر روایت‌شناسی*. ترجمه دکتر تقی پورنامداریان و نیره پاک‌مهر. تهران: سیاه‌رود.
- بارت، رولان. (۱۳۹۴). *درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها*. در *درآمدی به روایت‌شناسی*. ترجمه هوشنگ رهنما. تهران: هرمس.
- برتنس، هانس. (۱۳۸۷). *مبانی نظریه ادبی*. ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی. چ ۲. تهران: ماهی.
- بت، اندرو و روئل، نیکولاس. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر ادبیات، نقد و نظریه*. ترجمه احمد تمیم‌داری. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بیشاب، لئونارد. (۱۳۸۳). *درس‌هایی درباره داستان‌نویسی*. ترجمه محسن سلیمانی. چ ۳. تهران: انتشارات سوره‌مهر.
- پرینس، جerald. (۱۳۹۱). *روایت‌شناسی: شکل و کارکرد*. ترجمه محمد شهبان. تهران: مینوی خرد.
- _____ (۱۳۹۴). *روایت‌شناسی*. در *درآمدی به روایت‌شناسی*. ترجمه هوشنگ رهنما. تهران: هرمس.
- تایسن، گیس. (۱۳۸۷). *نظریه نقد ادبی معاصر*. ترجمه مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی. تهران: انتشارات نگاه ام‌روز، حکایت قلم نوین.
- تودوروف، تزوتان. (۱۳۷۹). *بوطیقای ساختارگرا*. ترجمه محمد نبوی. تهران: آگاه.
- تولان، مایکل جی. (۱۳۸۳). *درآمدی نقادانه - زبان شناختی بر روایت*. ترجمه ابوالفضل حری. تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- درویشیان، علی‌اشرف. (۱۳۸۷). *سال‌های ابری*. چ ۷. تهران: چشمه.
- ریکور، پل. (۱۳۸۳). *زمان و حکایت: کتاب اول، پیرنگ و حکایت تاریخی*. ترجمه مهشید نونهالی. تهران: گام‌نو.
- ریمون. ک: نان، شلومیت. (۱۳۸۷). *روایت داستانی: بوطیقای معاصر*. ترجمه ابوالفضل حری. تهران: نیلوفر.
- سلدن، رامان. (۱۳۷۲). *راهنمای نظریه ادبی معاصر*. ترجمه عباس مخیر. تهران: طرح‌نو.
- فورستر، ادوارد مورگان. (۱۳۶۹). *جنبه‌های رمان*. ترجمه ابراهیم یونسی. چ ۴. تهران: نگاه.
- کالر، جانانان. (۱۳۸۵). *نظریه ادبی (معرفی بسیار مختصر)*. ترجمه فرزانه طاهری. چ ۲. تهران: مرکز.
- لوتنه، یاکوب. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما*. ترجمه امید نیک‌فرجام. تهران: مینوی خرد.

- لینت ولت، ژپ. (۱۳۹۰). *رساله‌ای در باب گونه‌شناسی نقطه دید*. ترجمه علی عباسی و نصرت حجازی. تهران: علمی و فرهنگی.
- مارتین، والاس. (۱۳۸۶). *نظریه‌های روایت*. ترجمه محمد شهباز. چ ۲. تهران: هرمس.
- مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۸۵). *دانشنامه ادبی معاصر*. ترجمه محمد نبوی و مهران مهاجر. چ ۲. تهران: آگه.
- میرصادقی، جمال و میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۷). *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*. تهران: کتاب مهناز.
- هارلند، ریچارد. (۱۳۸۸). *درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاتون تا بارت*. ترجمه علی معصومی، شاپور جورکش و دیگران. چ ۳. تهران: چشمه.
- هرمن، دیوید. (۱۳۹۳). *عناصر بنیادین در نظریه‌های روایت*. ترجمه حسین صافی. تهران: نی.

References

- Ahmadi, B. (1992). *The Text-Structure and Textual Interpretation*. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Allot, M. F. (1990). *Novelists on the Novel book*. Translated by Ali Mohammad Haghshenas. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Assa Berger, A. (2002). *Narratives in Popular Culture, Media and Everyday Life*. Translated by Mohammad Reza Liravi. Tehran: Hermes. [In Persian]
- Barthes, R. (1977). "Introduction to Structural Analysis of Narratives". in *Image – music – text*. Stephen Heath. (trans.). New York: Hill and Wang. 79 – 124.
- _____. (1994). *The Semiotic Challenge*. Richard Howard. (trans.). Berkely - Los Angeles: University of California Press.
- _____. (2016). "An Introduction to Structural Analysis of Narratives". in *An Introduction to Narratology*. Translated by Hooshang Rahnama. Tehran: Hermes. 17 – 74. [In Persian]
- Bennett, A., Royle, N. (2010). *An Introduction to Literature, Criticism and Theory*. Translated by Ahmad Tamimdari. Tehran: Institute of Cultural and Social Studies. [In Persian]
- Bertens, H. (2009). *Literary Theory: The Basics*. Translated by Mohsen Abulghasemi. 2nd ed. Tehran: Mahi. [In Persian]
- Bishop, L. (2005). *Dare to be a great writer*. Translated by Mohsen Solaymani. 3rd ed. Tehran: Soore Mehr. [In Persian]
- Culler, J. (1980). "Foreword" on *Narrative Discourse: An essay in method*. by Gerard Genette. Jane E. Lewin. (trans.). Ithaca, New York: cornell university press. PP. 7 – 13.

- _____. (2007). *Literary Theory: A Very Short Introduction*. Translated by Farzaneh Taheri. 2nd ed. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Darvishian, A. A. (2009). *Cloudy Years*. 7th ed. Tehran: Cheshmeh. [In Persian]
- Forster, E. M. (1991). *Aspects of the Novel*. Translated by Ebrahim Younesi. 4th ed. Tehran: Negah. [In Persian]
- Genette, G. (1980). *Narrative Discourse: An essay in method*. Jane E. Lewin. (trans.). Ithaca, New York: Cornell University Press.
- Harland, R. (2010). *Literary Theory from Plato to Barthes: An Introductory History*. Translated by Ali Masoumi, Shapoor Jourkash, et al. 3rd ed. Tehran: Cheshmeh. [In Persian]
- Herman, D. (2015). *Basic Elements of Narrative*. Translated by Hosein Safi. Tehran: Ney. [In Persian]
- Lintvelt, J. (2010). *Essai de Typologie Narrative: Le Point de Vue*. Translated by Ali Abbasi and Nosrat Hejazi. Tehran: Elmi va Farhangi. [In Persian]
- Lothe, J. (2010). *Narrative in Fiction and Film: An Introduction*. Translated by Omid Nikfarjam. Tehran: Minooye Kherad. [In Persian]
- Makaryk, I. R. (2007). *Encyclopedia of Contemporary Literary Theory*. Translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi. 2nd ed. Tehran: Agah. [In Persian]
- Martin, W. (2008). *Recent Theories of Narrative*. Translated by Mohammad Shahba. 2nd ed. Tehran: Hermes. [In Persian]
- Mirsadeghi, J., Mirsadeghi, M. (1999). *Fiction Dictionary*. Tehran: Ketabe Mahnaz. [In Persian]
- Okhowwat, A. (1993). *The Grammar of Story Language*. Esfahan: Farda. [In Persian]
- Prince, G. (2013). *Narratology: Form and Functioning of Narrative*. Translated by Mohammad Shahba. Tehran: Minooye Kherad. [In Persian]
- _____. (2016). "Narratology" in *An Introduction to Narratology*. Translated by Hooshang Rahnama. Tehran: Hermes. 1 – 15. [In Persian]
- Ricoeur, P. (1984). *Time and Narrative*. Vol. 1. Kathleen Mclaughlin and David Pellauer. (trans.). Chicago: The University of Chicago Press.
- _____. (2005). *Time and Narrative*. Vol. 1. Translated by Mahshid Nonahali. Tehran: Game Nou. [In Persian]
- Rimmon-Kenan, Sh. (2008). *Narrative Fiction*. 2nd ed. London and New York: Routledge.
- _____. (2009). *Narrative Fiction*. Translated by Abulfazl Horri. Tehran: Niloofar. [In Persian]

- Schmidt, W. (2014). *Narratology: An Introduction*. Translated by Taghi Poornamdariyan and nayyereh Pakmehr. Tehran: Siahroud. [In Persian]
- Schmitz, Th. (2010). *Modern Literary Theory and Ancient Texts: An Introduction*. Translated by Hasan Saboori and Samad Aliyoon. Tabriz: Tabriz University. [In Persian]
- Scholes, R. (2015). *Structuralism in Literature: An Introduction*. Translated by Farzaneh Taheri. 3rd ed. Tehran: Agah. [In Persian]
- Selden, R. (1994). *A Reader's Guide to Contemporary Literary Theory*. Translated by Abbas Mokhber. Tehran: Tarhe Nou. [In Persian]
- Todorov, T. (2000). *Qu'est - ce que le structuralisme: Poétique*. Translated by Mohammad Nabavi. Tehran: Agah. [In Persian]
- Toolan, M. J. (2005). *Narrative: A Critical Linguistic Introduction*. Translated by Abulfazl Horri. Tehran: Farabi Cinema Foundation. [In Persian]
- Tyson, L. (2009). *Critical Theory Today: A User Friendly Guide*. Translated by Maziar hosseinzadeh and Fatemeh Hosseini. Tehran: Negahe Emrouz, Hekayate Qalam. [In Persian]

استناد به این مقاله: حیدری، مرتضی. (۱۴۰۱). بررسی ضرباهنگ زمان داستان در روایت «سال‌های ابری» از علی‌اشرف درویشیان. فصلنامه متن‌پژوهی ادبی، ۲۶ (۹۲)، ۱۱۱-۱۴۲. doi: 10.22054/LTR.2020.48335.2875



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.